



عادل جلیلی، استاد پژوهش، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران.  
پست الکترونیک: Jalili@rifr-ac.ir

## تداوم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، تداوم توسعه است.

عالی، فرهنگ و هنر، حمل‌ونقل، تولید انرژی، حفظ محیط‌های طبیعی و محیط‌زیست، بهداشت، سلامت و امنیت نشان‌دهنده میزان جدیت دولت و ملت در توسعه زیرساختی کشور است.

بنابراین، استفاده از آموزش رسمی در یک روستا برای تبیین پیچیدگی مقوله زیرساخت برای فهم انسان از پیچیدگی «پدیده زیرساخت» در یک جامعه است تا درک درستی را از دسترسی به منابع، میزان لازم منابع، کیفیت و کمیت منابع و چگونگی استفاده از آن فراهم کند. با این رویکرد، نگاه ما به دولت، سرمایه‌گذاری توسط دولت، منابع قابل دسترس برای دولت، نحوه مدیریت و تحلیل عملکرد آن متفاوت خواهد بود. با این نگاه، تنها توجه به بودجه دولت، یا نسبت بودجه عمرانی به هزینه‌ای در رابطه با تشخیص توانمندی‌ها و جدیت دولت در امر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها کافی و درست نخواهد بود. همیشه در تحلیل روند افزایش هزینه‌ای به عمرانی و سرمایه‌گذاری دولت، برداشت حتی صاحب‌نظران و کارشناسان این است که وزن این نسبت در بودجه حاکمی از بزرگ بودن دولت است. درحالی‌که در مقایسه با سایر دولت‌ها و با توجه به نسبت سهم بودجه عمومی دولت به تولید ناخالص ملی، دولت ایران از نظر دسترسی به منابع یکی از کوچک‌ترین و ضعیف‌ترین دولت‌هاست. با این نوع برداشت از دولت و منابع قابل دسترس برای آن است که حتی در ابتدایی‌ترین فعالیت‌های عمرانی، زیرساختی و فیزیکی هم دچار مشکل شده‌ایم. کمبود برق در تابستان و نبود گاز در زمستان نشان از همین نگاه سطحی و ابتدایی به دولت و نوع مدیریت و نقش آن است.

پایین آوردن تعریف دولت تا سطح قوه مجریه و بازوی اجرایی رسمی کشور، برداشت ابتدایی از وظایف و ماهیت عملکردی دولت است و این یعنی دولت فقط متکی بر بودجه‌ای که سالیانه و به‌طور رسمی در اختیار آن گذاشته می‌شود، باید کشور را اداره کند. اگر با همین تفکر، سیستم حکمرانی دولت آمریکا تحلیل شود، می‌توان اذعان کرد، دولت آمریکا یکی از ورشکسته‌ترین و بدهکارترین دولت‌ها در دنیاست، درحالی‌که این طور نیست. درواقع، هدف از بودجه دولت، تأمین منابع برای اداره بدنه دولت است که بخشی از زیرساخت مدیریتی کشور محسوب می‌شود، و وظیفه دولت نه اداره خود دولت، بلکه مدیریت و هدایت کل کشور است، البته که منابع موجود به اندازه بزرگی تولید ناخالص ملی یک کشور کافی نیست. بنابراین، نگاه ما به دولت در چهارچوب حکمرانی «دولت و ملت» و نگاه دولت در نوع حکمرانی خود باید اساسی، ساختاری و راهبردی تغییر نماید.

همچنین، هر دولتی برای مدیریت دستگاه‌های زیرمجموعه خود نیازمند بودجه رسمی است، تا آن دستگاه بتواند طبق روال معمول، وظایف تعریف شده خود را انجام دهد. هدایت جامعه و تأمین نیازهای آن، به‌ویژه سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اساسی نیازمند سرمایه و منابع به مراتب بزرگ‌تری از تولید ناخالص ملی آن کشور است که بودجه دولتی سهم به مراتب کوچک‌تری را از آن دارد. تأمین این مقدار از منابع و سرمایه نیازمند اتخاذ سیاست‌های مدرن، بویا، پایدار و متعادل داخلی و خارجی است.

سه منبع سرمایه‌های منابع طبیعی، منابع انسانی و زیرساخت، منابع اصلی تولید ثروت، انباشت سرمایه و تداوم توسعه هستند. بی‌توجهی و کم‌توجهی به هر کدام از این منابع، در میزان فعال‌سازی و آزادسازی ظرفیت سایر منابع تعیین‌کننده است. زیرساخت‌ها، یکی از این منابع مهم و نوعی انباشت سرمایه برای تداوم توسعه هستند. زیرساخت‌های یک سیستم از نظر عمق، فرایند و ظرفیت بسیار پیچیده هستند، ماهیت دینامیکی دارند و با توجه به دستاوردهای دانش و فناوری انسان نسبت به گذشته، روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شوند، فرایند و فرهنگ حاکم بر یک ساختار نیز جزو زیرساخت محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال، رشد و فناوری در دنیای مجازی، تنها یک امر سخت‌افزاری نیست، بلکه سخت‌افزار، نرم‌افزار، فرایند ارتباطی، فرهنگ حاکم و مسیر به‌کارگیری آنها زیرساخت محسوب می‌شوند. مثلاً در یک ساختار حمل‌ونقل، موضوع تنها یک ظرفیت سخت‌افزاری نیست، یعنی تنها با احداث جاده و داشتن وسیله نقلیه، زیرساخت لازم برای حمل‌ونقل فراهم نمی‌شود، حتی بنگاه‌های حمل‌ونقل، اتحادیه‌ها، قوانین، مقررات، دستورالعمل‌ها و فرهنگ حاکم بر سیستم حمل‌ونقل نیز ماهیت زیرساختی دارند. مثال دیگر، موضوع زیرساخت آموزش و پرورش رسمی در یک روستاست، درواقع، تنها ساختمان مدرسه نیست، بلکه عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، که بستر آموزش بچه‌های یک روستا را فراهم می‌کنند، به معنی واقعی زیرساخت آموزش در آن روستا هستند. بنابراین، داشتن یک ساختمان مناسب به‌عنوان مدرسه، مسیر دسترسی به این مدرسه، مبلمان و تجهیزات مدرسه، کتاب و نوشت‌افزار، ابزارهای پیچیده ارتباطی مثل اینترنت، وسایل سمعی و بصری، امکانات مربوط به رفت‌وآمد و استقرار معلمان و کارکنان، فرهنگ آموزشی حاکم بر مردم روستا (اینکه والدین چقدر به آموزش بچه‌هایشان در قالب یک چهارچوب فکر می‌کنند) و ارتباط این مدرسه با سیستم مدیریتی آموزش و پرورش بالادستی در شهرستان و بالاتر و همه این مجموعه با هم، زیرساخت لازم برای آموزش رسمی در آن روستا هستند. زیرساخت، ساختاری بسیار پیچیده و ماهیتی دینامیکی دارد. در کل، هر آنچه در یک سیستم دارای ظرفیت تبدیل شدن به انباشت سرمایه برای آینده و خدمات‌دهی باشد، ماهیت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری پیدا کند و ماندگار باشد، زیرساخت محسوب می‌شود. حتی قوانین، مقررات، دستورالعمل‌ها و چگونگی ارتباطات نیز، زیرساخت به‌شمار می‌آیند. بنابراین، شناخت پیچیدگی و ماهیت دینامیک این پدیده باعث می‌شود، جامعه به‌ویژه دولت‌ها، موضوع سرمایه‌گذاری مداوم را در این رابطه یک امر حیاتی و کلیدی برای توسعه قلمداد کنند و نسبت به آن پایبند باشند و اهتمام ورزند. بنابراین، می‌توان از زیرساخت به‌عنوان یکی از شاخص‌های ارزیابی عملکرد یک جامعه به‌ویژه دولت‌ها یاد کرد. برداشت سطحی و ابتدایی در این ارتباط، منجر به بروز فاجعه در مسیر توسعه خواهد شد. امروز، توجه به نسبت میان بودجه عمرانی و بودجه هزینه‌ای دولت در رابطه با درک میزان اهتمام دولت در سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، یک نگاه سطحی در ارزیابی کشور پیرامون توسعه زیرساخت‌هاست. میزان سرمایه‌گذاری کلان در موضوعات زیرساختی مثل دانش و فناوری، آموزش و پرورش، آموزش